

نگاهی به ویژه نامه کردستان (۲) و مقاله‌های فاروق کیخسروی و احسان هوشمند

صالح بهزاد تیپوک
(نامه‌وارده)

زمان صدام و پیش از آن، تلاش دارند از اعمال ناصواب این دولت‌ها و ارتش‌ها حمایت و تمجید کنند. این هم یکی از مشکلات بعضی از کردهاست، برای این که سری در میان سرها داشته باشند و مورد تحسین و تمجید دولت‌های اشغالگر ترک و عرب واقع شوند، باید به سران و مشاهیر کرد و سران کنونی اپوزیسیون حمله و تحقیرشان کنند تا زورگویان تاریخ و... بی توجیهان به حقوق ملت کرد بر آنان تحسین بفرستند و در صدر مجلس بنشانند.

جناب آقای هوشمند، آیا هوشیاری یعنی در خدمت دیگران بودن، علیه مصالح مردم خود قلم زدن، جنبش و حرکت نخبگان مردم خود را زیر سؤال بردن، مردم خود را بی سواد خواندن و...؟

اگر یک روشنفکر فارسی تبار جریان تشکیل حزب دموکرات و جمهوری کردستان (نه مه‌باد) را به رشته تحریر درمی آورد و برای تقلیل اعتبار این جمهوری و سران آن می کوشید زیاد تعجب برانگیز نبود، اما جای بسی تأسف است که یک به اصطلاح روشنگر کرد می کوشد تا به نفع قوم غالب و به نفع دولت مرکزی آن زمان - زمان رضاشاه و پسرش - که همواره حقوق اقلیت‌های قومی را نادیده گرفته و به سرکوب خواسته‌های اقلیت‌های قومی - اقلیت‌های غیر فارسی - پرداخته، قلمفرسایی کرده و تلاش دارد از شکوه و ابهت این جمهوری - جمهوری کردستان - هر چه بیشتر بکاهد. متأسفانه مخالفان و سرکوب کنندگان اقلیت‌ها با استفاده از عوامل خود از همان اقلیت‌ها می‌خواهند در صفوف اتحاد مردم آن اقلیت، تفرقه و شکاف ایجاد کنند و از تجمع انرژی و نیروی مردمی برای رسیدن به مقاصد انسانی و دسترسی آنان به حقوق حقه جلوگیری کنند.

اما آقای فاروق کیخسروی هم حرف‌های حق دارد و

تصورم بر این بود که دست‌اندرکاران نشریه تصمیم گرفته‌اند گفت و گوی فرهنگ‌ها را مطرح کنند تا مسائل و مشکلات اقوام ساکن در سرزمین ایران را از طریق گفت و گوهای مستقیم، رو در رو، گفت و گو میان اقوام ترک، فارس، کرد، بلوچ، عرب، ترکمان و... به صورت دموکراتیک، عادلانه و با توسل به دموکراسی، پذیرش تکثرگرایی و پلورالیسم حل نمایند، ولی مشاهده می‌شود که می‌خواهند با چاپ نوشته‌های توهین آمیز، تحقیرکننده، ایجاد تفرقه میان گویش‌های مختلف زبان کردی، ایجاد تفرقه میان کردهای سنی و شیعه با توسل به نویسندگانی مانند احسان هوشمند و... به تسلط غیرکردها بر کردها و اقوام دیگر ایران زمین، برای همیشه جامه عمل بپوشانند. انتقادهای، تهمت‌ها و بهتان‌ها بیشتر متوجه سران کرد، مشاهیر کرد و سران کنونی اپوزیسیون کرد است و از سران ارتش و مسئولان دولتی هیچ انتقاد پررنگ، کوبنده و محکوم کردن سیاست‌های غیراصولی این دولت‌ها و ارتش (زمان شاه و پدرش) صورت نگرفته است.

به نظر من، هدف دست‌اندرکاران این نشریه کوبیدن و تحقیر کردها، تضعیف جنبش‌های کردی و سران کردها و سران اپوزیسیون کردی است.

اما خواندن همین نوشته‌ها برای تحصیلکرده‌ها، آگاهان و تمام اقشار مردم کرد که از سواد خواندن و نوشتن بهره‌مند باشند، خالی از فایده نیست. بگذار مکر کنند، خداوند مکرشان را به خودشان بازگرداند. زهی ناجوانمردی به احسان هوشمندها و... که زورگویان و حاکمان مرکزی، رضاشاه‌ها و محمدرضاشاه‌ها توسط آنان مکر می‌کنند و به اجرای مکر می‌پردازند. مشکل افرادی مانند آقایان فاروق کیخسروی و احسان هوشمند این است که به جای انتقاد از سران حکومت‌هایی مانند ایران، ترکیه، سوریه و عراق

هم حرف‌های ناحق، انسانی با معلومات و خوش حافظه و با قلمی توانا و آشنا به مسائل خاورمیانه و کردها، لازم است که نقد جالبی بر اشتباهات و تصورات اشتباه ایشان بنویسد. تخریب همدیگر درست نیست. اگر دلش می‌سوزد، از روشنفکران ایرانی دولتی و غیردولتی بخواهد آستین‌ها را بسال بزنند و برای رفع مشکلات اقلیت‌های محروم از حق و برای رفع تمام مشکلات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تمام ایران و اقوام ساکن آن راه‌حلی عادلانه بیابند. برای افرادی مانند احسان هوشمند، فاروق کیخسروی که به هویت و نژاد خویش و بی‌توجهی‌هایی که نسبت به هم‌نژادان آنان می‌شود بی‌تفاوت بوده و حتی قضایا و مسائل را به زیان مردم خود (مردم کرد) تجزیه و تحلیل می‌کنند، بهتر است وارد مباحث سیاسی و مسائل تاریخی نشوند، بلکه سر خود را پایین انداخته به کار روزانه خود بپردازند و اگر زندگی در کردستان رانمی‌پسندند به تهران، کرج، اصفهان یا شیراز و... رفته به زندگی روزمره ادامه دهند.

احسان هوشمند هم افزون بر این که تلاش دارد مشاهیر کرد مانند سمیتقو، شیخ عبدالله و سران اپوزیسیون کرد را بکوبد، تلاش می‌کند کردهای شیعی را از کردهای سنی به نفع غیر کردها جدا کند و به تفرقه میان کرد سنی و کرد شیعه یا تفرقه میان گویش‌های مختلف کردی دامن بزند، این در حالی است که دیگران به مشاهیر خود مانند ستارخان‌ها، باقرخان‌ها، امیر کبیرها، شهریارها، خیابانی‌ها و کوچک‌خان‌ها شاخ و برگ می‌دهند و بالاتر از آنچه بوده‌اند مورد ستایش قرار می‌دهند.

مهندس فاروق کیخسروی حرف حق هم دارد، اما چیزی را درک نمی‌کند و چیزهای زیادی را درک نمی‌کند، یا از درک بعضی از مسائل عاجز است و یا عمدتاً نمی‌خواهد درک کند و یس‌می‌داند و خودش را به آن وادی می‌زند. جناب مهندس! مگر آقای خلخالی و مانند او مرده بودند که فعالان سیاسی کرد وارد مجلس شوند و برای توسعه ایران و کردستان به خدمت بپردازند. در آن ایام کسی قادر نبود توجه دولتمردان را به سوی توسعه و آبادانی جلب کند. همه کسانی که خود را تسلیم دیگران کردند مانند قاضی محمد و بارانش، سید رضا در سیمی، شیخ سعید پیران، بدرخان بیگ، یزدان شیر، میر محمد، شیخ عبدالله و سمیتقو، آیا پس از تسلیم شدن آنها طرف مقابل - حاکم ترک، عرب یا ایرانی - مردمشان را پیشیزی به شمار آورد؟ آیا محمدرضا شاه، رضاشاه، سلطان عثمانی و رؤسای حاکم بر عراق (زمان صدام و پیش از آن) و سوریه برای توسعه، آبادانی و شناخت هویت مردم کرد هیچ اقدام

با ارزشی انجام دادند؟ آیا صرفاً نامشان همچون افسانه در تاریخ باقی نماند؟ تنها نامشان در تاریخ کشورهای ترکیه، ایران، سوریه و عراق (زمان صدام و پیش از آن) به عنوان شورشی، آشوب‌طلب و گردنه‌گیر باقی ماند.

طرف مقابل یعنی ترکیه، سوریه، عراق و ایران هیچ‌گاه وظیفه خود ندانستند که مردم کرد را صاحب حق به‌شمار آورند و در راه توسعه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کردستان تحت اشغالشان گامی مثبت بردارند. در سایه قیام آپو است که دولت ترکیه تصمیم گرفته برای توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کردهای ساکن جنوب و جنوب شرقی ترکیه - که به عنوان ترک کوهی از کوچکترین حق محروم هستند - اقداماتی انجام دهد. ترک کوهی یعنی طرف ترک است، بنابراین باید محل سکونت این ترک‌های کوهی مانند دیگر نقاط ترکیه از هر نظر توسعه پیدا کند، اما می‌دانند که کرد هستند و نام ترک کوهی ساختگی است، از این رو نمی‌خواستند محل سکونت آنان توسعه و پیشرفت کند، چون به راحتی می‌دانستند ترک کوهی نیستند و برای فریب مردم کشورهای دیگر ترک کوهی می‌نامیدند، بنابراین نهایت سعی خود را کردند که از تمام امکانات مادی و معنوی سرزمین کردها (ترک‌های کوهی) به نفع سرزمین ترک‌ها (ترک‌های ساحلی، آبی و دشت) نهایت استفاده را بکنند.

توضیحات نویسندگان و فعالان سیاسی مناطق کردنشین در مورد قیام‌های مناطق کردنشین ضمیمه شده به ترکیه، سوریه، عراق و نیز مناطق کردنشین ایران بسیار شفاف و قانع‌کننده هستند، مگر برای کسی که نمی‌خواهد قانع شود و به سرانجام شفاف‌تری برسد، بلکه دوست داشته باشد و دلش بخواهد امیران و قیام‌کنندگان و دست‌اندرکاران جمهوری کردستان افرادی خائن، آشوب‌طلب، ضد ایرانی، دشمن وطن، تجزیه‌طلب، شورشی و گردنه‌گیر معرفی شوند و تحقیر و کوچک شده و مایه افتخار برای مردم عزیز کرد به‌شمار نیابند. البته صحبت از گذشته پر آشوب و تاریک، باعث فرسایش روحی و جسمی فعالان سیاسی کرد خواهد شد و اگر قصد گرداندگان این نشریه، حل مسائل کردها و دیگر اقوام ایرانی مانند آذربایجانی‌ها، بلوچ‌ها، ترکمان‌ها و عرب‌ها نباشد، باید محور سخن را عوض کرده و بهترین راه را برای حل مشکل اقوام ایرانی ناراضی و بهترین روش را برای اداره کشور کثیرالاقوام ایران مورد بحث، بررسی و کنکاش قرار دهند، مانند نوع کنفدرال برای اتحاد کشور ایران با تمام کردهای خاورمیانه، نوعی اتحاد و کنفدرالیسم یا فدرالیسم به طوری که به تمرکززدایی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور ایران بینجامد.

داد گستری محلی باشد. در چنین کشوری با مشخصات ذکر شده، آزادی بیان، مطبوعات و رسانه‌ها - در حد قوانین مصوب - دموکراسی، تکثرگرایی مذهبی، دینی و نژادی، پلورالیسم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پاس داشته خواهد شد و مردم پایتخت و مراکز ایالات و دیگر شهرها و بخش‌ها حق تشکیل اجتماعات و احزاب را خواهند داشت و یک دولت و پارلمان فدرال بر امور کشور نظارت خواهند کرد.

بعضی از موضوعات ریز و کم‌اهمیت دیگر از راه تداوم مذاکرات و گفت‌وگو رفع خواهند شد. البته ممکن است افراد یا مراکز قدرتی وجود داشته باشند که با سیستم فدرال یا یک اتحاد کنفدرال در کشور موافق نباشند، اما شرایط نوین جهان و کم‌شدن طرفداران توسل به جنگ، خشونت و درگیری نظامی و روزافزون شدن هواداران و طرفداران صلح و آشتی، حقوق بشر و عدم تبعیض میان شهروندان یک کشور، سرانجام حتی مخالفان فدرالیسم یا اتحاد کنفدرال ملیت‌ها را وادار خواهد کرد که به دموکراسی، تکثرگرایی، پلورالیسم و اداره کشور با یک روش عادلانه و به دور از تبعیض‌های نژاد، تن خواهند داد. به امید هر چه زودتر رسیدن آن روز؛ و پیش به سوی گفت‌وگوی فرهنگی با توسل به تمام راه‌های ممکن، رادیو، تلویزیون، سخنرانی، کنفرانس، همایش‌ها، کنگره‌های حزبی، مذاکرات چندجانبه سران اقوام، تئاتر، نمایش، فیلم، نقاشی، موسیقی و...

ازومیه

خوانندگان محترم نشریه!

چنانچه خواهان دریافت

دوره کامل

نشریه چشم‌انداز ایران

(از شماره ۱ تا ۴۶)

به صورت مجلد یا CD هستید

با شماره تلفن

۰۲۱-۶۶۹۳۶۵۷۵

تماس بگیرید.

مطالبی مانند این که رضاشاه، محمدرضا شاه یا سلاطین قاجار و صفوی و یاروسای جمهوری اسلامی ایران چرا چنین کردند و باید این طور رفتار می‌کردند بی‌فایده است، بلکه دست‌اندرکاران دولتی، فعالان سیاسی، روشنفکران دولتی و قومی و تمام دلسوزان ایران چه در داخل کشور باشند و چه خارج‌نشین باید به فکر طرحی نو بوده و در کار خود سریع، هوشیار، بیدار، شفاف و منصف باشند و از حواله کردن موضوع به آینده‌ای دور و نامعلوم سریعاً و انصافاً بپرهیزند.

گذشته در کتاب‌های تاریخی منعکس شده است، بنابراین نویسندگان، روشنفکران، تحصیلکردگان، دانشجویان، اعضا و سران احزاب و گروه‌های سیاسی لازم نیست با پرداختن به گذشته - اوایل قرن بیستم و پیش از آن - خود را خسته و فرسوده کنند. مطالب برادران فاروق و احسان تحریف تاریخ است، باید پیرامون سیستمی قابل قبول و پسندیده برای اداره کشور و چگونگی دستیابی به چنین سیستمی و افراد مؤثری که درباره یک چنین سیستمی به توافق برسند؛ بحث، گفت‌وگو و مکاتبه کنند.

هر قومی با تاریخش شناخته می‌شود، از این رو افرادی که توانایی نوشتن تاریخ باستان و تاریخ معاصر مردم کرد را دارند - هم برای بزرگسالان و هم به زبان ساده برای کودکان و نوجوانان - باید به این کار اقدام کنند، ولی روشنفکران و مسئولان پیشین یا کنونی کشور و فعالان فرهنگی و سینمایی نباید در مقاله‌ها و نوشته‌هایشان به تاریخ‌نویسی یا تشریح وقایع گذشته بپردازند، زیرا این کار جز خسته کردن خود یا خوانندگان را در پی نخواهد داشت، بلکه پس از حوادث اوایل قرن بیستم و حوادث اوایل انقلاب و حوادث ناآرامی‌های تابستان سال ۱۳۸۴ مسئولان و نخبگان محلی و مرکزی باید دانسته باشند که مشکل اقوام ایرانی عدم وجود یک سیستم عادلانه برای اداره کشور است، از این رو به جای پرداختن به مسائل تاریخی و خود و دیگران را خسته کردن، ضروری است به فکر یافتن روشی ایدئال برای اداره کشور باشند؛ روشی که به تمرکززدایی از قدرت مرکزی بینجامد و منجر به تقسیم و توزیع عادلانه قدرت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان اقوام ایران و مناطق قومی - محل سکونت هر ملیت - شود. تقسیم و توزیع عادلانه ثروت و قدرت میان ایالات مختلف به طوری که هر یک از اقلیت‌های قومی ترک، ترکمن، کرد، عرب، گیل، طبری (مازندرانی) در یک ایالت واقع شود و هر ایالت دارای پارلمان، رئیس، دولت محلی، پلیس و